



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰

شماره پیاپی ۲۳ (صفحات ۱۹۲-۱۷۵)



تفسیر تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی در پرتو نظریه سوءنیت غیرمستقیم

دکتر عباس محمدخانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲

چکیده

قانون‌گذار ایرانی پس از اینکه در ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، سه بند را به جنایت خطای محض به عنوان یکی از جنایات غیر عمدی، اختصاص داده است، در تبصره همان ماده بیان داشته است که در صورت علم مرتکب به تحقق نوعی جنایت، جنایت وی از خطای محض تبدیل به جنایت عمدی خواهد شد. علی‌رغم این که برخی از حقوق‌دانان حکم تبصره را ناظر به سوءنیت احتمالی می‌دانند، اما دقت در منابع فقهی به عنوان منبع اصلی قانونگذار در این بحث و نیز اصول عمومی حقوق کیفری در مورد عنصر روانی جرم، نشان می‌دهد که حکم مقرر در تبصره ماده ۲۹۲ حکم جدیدی نبوده و همسو با برخی دیگر از مواد قانون مجازات اسلامی، همچون بند ب و ج ماده ۲۹۰ آن قانون، بر مبنای سوءنیت غیرمستقیم است. از این منظر، زمانی که مرتکب خواهان تحقق نتیجه نیست، اما می‌داند که رفتار او نوعاً و معمولاً منجر به تحقق نتیجه می‌شود، دارای سوءنیت غیرمستقیم بوده و عامد محسوب خواهد شد.

واژگان کلیدی: عنصر روانی جرم، خطای محض، سوءنیت مستقیم، سوءنیت غیرمستقیم، سوءنیت احتمالی

مقدمه

مطابق ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی، جنایات علیه تمامیت جسمانی، به سه دسته عمدی، شبه عمدی و خطای محض تقسیم می‌گردد که حکم جنایات مزبور به ترتیب در مواد ۲۹۰، ۲۹۱ و ۲۹۲ همان قانون ذکر شده است. صرف نظر از جنایت شبه‌عمدی که موضوع مقاله حاضر نیست، قانون‌گذار در ماده ۲۹۰ آن قانون، جنایت عمدی را در چهار بند مورد حکم قرار داده است که البته می‌توان چهار بند بیان شده را در دو قاعده بیان نمود. زمانی که مرتکب، خواهان تحقق جنایت است که در این حالت، علم وی به تحقق جنایت لازم نیست و قصد مرتکب، موجب تحقق جنایت عمدی خواهد شد (بندهای الف و ت) و زمانی که مرتکب خواهان جنایت نیست؛ اما می‌داند که رفتار وی نوعاً منجر به تحقق جنایت خواهد شد که در این حالت، آگاهی مرتکب از تحقق جنایت، موجب عمدی بودن آن خواهد بود (بندهای ب و پ). اما قانونگذار در بیان ارکان و مصادیق جنایت خطای محض، پس از آنکه در ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، جنایت در حال خواب و بیهوشی و مانند آن (در بند الف)، جنایت ارتكابی صغیر و مجنون (در بند ب) و جنایت فاقد قصد فعل ارتكابی بر مجنی علیه و قصد ایجاد نتیجه (در بند پ) را خطای محض دانسته است، در تبصره این ماده که در قوانین پس از انقلاب فاقد سابقه است، شرایط تبدیل بندهای الف و پ به جنایت عمدی را بیان داشته است. مطابق تبصره مزبور:

در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

همانطور که ملاحظه می‌گردد، قانون‌گذار جنایت واقع شده در حال خواب و بیهوشی و مانند آن (موضوع بند الف ماده ۲۹۲) و نیز جنایت خطای محض در معنای اصلی (موضوع بند پ ماده ۲۹۲) را در صورت آگاهی مرتکب از وقوع جنایت، از ذیل جنایات خطایی خارج کرده و عمدی دانسته است. پرسشی که در این مورد باید به آن پاسخ داد، آن است که آیا حکم مقرر در تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، حکمی است که علاوه بر بندهای مذکور در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، حالتی دیگر را به عمدی بودن جنایات اضافه می‌کند که در این صورت مبنای آن نیز باید مشخص شود و یا اینکه تقریری دیگر از همان ماده است که قانونگذار جهت تأکید بیشتر، آن را مورد حکم قرار داده است. بدیهی است که قبول هر یک از تفاسیر مزبور، موجب تفاوت بسیار مهمی در رویه قضایی خواهد شد.

زیرا در صورتی که تبصره مزبور ذیل بحث رفتار نوعاً گشوده قرار گیرد، نمی‌تواند مبنایی جداگانه در تحقق قتل عمدی باشد و بلکه تنها تأکیدی دیگر بر بندهای ب و پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است؛ حال آنکه در صورتی که تبصره ماده ۲۹۲، حاوی حکمی جدید باشد، باید قائل به



معیاری دیگر در تحقق جنایات عمدی گردید که قانون‌گذار ارتکاب نوعی بی‌احتیاطی شدید را موجب تحقق جنایات عمدی (و در حقیقت، در حکم عمدی) دانسته و لذا رویه قضایی نیز بر همین مبنا دامنۀ تحقق جنایات عمدی را گسترده‌تر خواهد کرد. نویسنده با آگاهی از اهمیت این تبصره و تأثیر آن در رویه قضایی، آن‌هم در امر مهمی چون جنایات عمدی، اقدام به بررسی نظریات حقوق دانان و نیز رویه قضایی نمود تا بتواند پاسخی درخور برای این سؤال ارائه نماید. در ادامه ابتدا تفسیر حقوق دانان ایرانی و رویه قضایی از تبصره ماده ۲۹۲ را بررسی کرده و سپس نظریه‌های مزبور را مورد بررسی و نقد قرار خواهیم داد:

۱. توجیه حکم تبصره در نظریه‌های حقوقی و رویه قضایی

دقت در نظریات حقوق دانان نشان می‌دهد که برای تفسیر حکم مقرر در تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی دو نظریه کلی وجود دارد؛ برخی حکم مزبور را بر اساس سوءنیت احتمالی توجیه می‌کنند و برخی دیگر حکم تبصره مزبور را ذیل تحقق جنایت عمدی در اثر آگاهی از کشنده بودن نوعی رفتار قرار می‌دهند. در رویه قضایی نیز بر همین اساس آراء مختلفی صادر شده است؛ هرچند تثبیت رویه قضایی در این مورد نیازمند گذشتن زمان بیشتری از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است.

۱.۱. نظریه اول (توجیه حکم تبصره بر اساس سوءنیت احتمالی)

مطابق نظر برخی از حقوق دانان، علاوه بر ضوابط دوگانهای که برای تحقق جنایات عمدی در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی بیان شده است، قانونگذار در تبصره ماده ۲۹۲ همان قانون، اقدام به بیان یک معیار دیگر نموده است که معیار سوم تحقق جنایات عمدی است (قیاسی و داوری، ۱۳۹۵: ۳۰۳). مطابق این دیدگاه، تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، بی‌تفاوتی فاحش مرتکب نسبت به حیات و سلامت افراد (آقای نی، ۱۳۹۴: ۳۶۴) و یا تقصیر جزایی شدید (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۳۵۰) و یا به تعبیری دیگر، بی‌پروایی آگاهانه (قیاسی و داوری، ۱۳۹۵: ۳۰۲) را در برمی‌گیرد. برای نمونه یکی از این حقوق دانان، چنین می‌نویسد:

شاید بتوان تقصیر جزایی شدید را بر اساس این تبصره عمد به شمار آورد؛ مثل راننده بی‌مبالاتی که با سرعت بسیار زیاد در خیابانی شلوغ حرکت می‌کند و با دیگری برخورد می‌کند و او را می‌کشد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۳۵۰).

با وجود این، قائلین به این نظر خود معترفند که حکم مزبور در تبصره، از نظر ماهیتی خطای محض است که قانونگذار حکم عمد را بر آن بار کرده است (قیاسی و داوری، ۱۳۹۵: ۳۰۲). از این

منظر، آنچه در تبصره مزبور آمده است، عمد در معنای واقعی آن نیست و بلکه خطایی است شدید که در حکم عمد قرار گرفته است. باید توجه نمود که هرچند تنها در برخی از نظریات بیان شده، از عبارت سوءنیت احتمالی استفاده شده است (همان: ۳۰۳)، اما تردیدی نیست که مبنای پذیرش این نظرات چیزی سوءنیت احتمالی است. زیرا بی تفاوتی فاحش و تقصیر جزایی شدید، همان سوءنیت احتمالی است که به عنوان یکی از مصادیق عنصر روانی جرایم غیرعمدی مورد بحث حقوق دانان قرار گرفته است.

در رویه قضایی نیز ردپای چنین برداشتی به چشم می خورد. برای نمونه، در موردی که فردی، با زدن سه تیر به درب خانه و عبور یکی از تیرها و برخورد با مجنی علیه موجب قتل او شده است، یکی از شعب دیوان عالی کشور با استناد به تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، حکم به قصاص مرتکب را تأیید نموده است.^۱ دقت در رأی مزبور نشان می دهد که قضات صادر کننده، حکم مزبور در تبصره ماده ۲۹۲ را امری جدای از بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و لذا صرف امکان در تحقق جنایت را موجبی جدا در تحقق جنایت عمدی دانسته اند.^۲

۱.۲. نظریه دوم (توجیه حکم تبصره بر اساس سوءنیت غیرمستقیم)

مطابق نظر برخی دیگر از نویسندگان، حکم مقرر در تبصره ماده ۲۹۲، بر مبنای علم و التفات به تأثیر غالبی رفتار در ایجاد نتیجه، توجیه می شود (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۲۱۴؛ صادقی، ۱۳۹۳: ۲۹۰). از این منظر، آنچه در تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است، منطبق بر بندهای ب و پ ماده ۲۹۰ همان قانون است که جنایت عمدی را با علم به نوعاً کشنده بودن رفتار محقق می-

۱. "در خصوص قتل موضوع دادنامه شماره ۶۸۰۰۰۶۸۰۸۰۰۹۹۷۷۷۴۰۸۰۰۹۱۰۹۱۰/۱۰/۱۳۹۱ صادره از ناحیه اکثریت اعضاء شعبه اول دادگاه کیفری استان ب خاطر نشان می شود که به فرض این که مجنی علیه مستقیماً مورد هدف اصابت گلوله متهم قرار نگرفته باشد، اولاً: تیراندازی های پیاپی با سلاح جنگی غیرمجاز در محل مسکونی همراه با سوءنیت را نمی توان از مصادیق تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مورد استناد دو عضو اقلیت دادگاه کیفری استان و یا از مصادیق ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ شمسی دانست. ثانیاً: با عنایت به تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ موضوع خطای محض نیز در مانحن فیه منتفی است چه این که مرتکب تیراندازی در اماکن مسکونی و آن هم به صورت مکرر طبعاً این آگاهی را دارد که اقدام او امکان وقوع جنایت را خواهد داشت، بنابراین دادنامه تجدیدنظرخواسته مبنی بر محکومیت آقای ج.الف. به قصاص نفس به جرم قتل مرحوم الف.ش. مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده صادر شده و با رد تجدیدنظرخواهی و کیل محکوم علیه ... رأی صادره تأیید و پرونده به دادگاه صادر کننده رأی اعاده می شود." حکم شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور، مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۲.

۲. آراء بیان شده در این مقاله از سامانه جامع پردازش و انتشار آراء قضایی به آدرس <http://raay.ijri.ir> استخراج شده است.



داند و همسو با قسمت آخر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی است که در تحقق عنصر روانی جرایم عمدی مقید به نتیجه، علم به تحقق نتیجه را کافی می‌داند (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۲۱۴-۲۱۰). با پذیرش این نظر، ضوابط تحقق جنایات عمدی در حقوق ایران، کماکان منحصر در بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است و تبصره ماده ۲۹۲ آن قانون، حاوی حکم جدیدی نبوده و بلکه تأکیدی مجدد بر تحقق جنایت عمدی از طریق علم و آگاهی و بدون نیاز به قصد است.

آشکار است که این نظر با منابع فقهی نیز سازگاری بیشتری دارد. زیرا از نظر منابع فقهی، حکم به تحقق جنایات عمدی و به تبع آن، قصاص تنها در حالت قصد قتل و یا تحقق رفتار نوعاً کشنده با علم به کشنده بودن آن، ممکن است و با انواع دیگر عنصر روانی مانند سوءنیت احتمالی سازگار نیست.

همین نظر در رویه قضایی نیز قابل مشاهده است و برخلاف رأی ارائه شده در فوق، در موردی مشابه که مرتکب اقدام به شلیک متعدد به منزل مسکونی دیگری نموده و موجب مرگ مجنی‌علیه شده است، دادگاه بدوی ابتدا رأی به قصاص داده ولی دیوان عالی کشور آن را با این استدلال نپذیرفته است که رفتار مرتکب مشمول بحث رفتار نوعاً کشنده نبوده و لذا ذیل جنایات عمدی قرار نخواهد داشت؛ بدون آنکه به تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی اشاره نماید.^۱ همانطور که مشخص است، برخلاف رأی سابق، دیوان عالی کشور به دلیل عدم وجود قصد قتل، قتل را عمدی ندانسته و با احراز تقصیر مرتکب، رفتار مرتکب را مشمول بند پ ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی دانسته است. به بیان دیگر، برخلاف رأی سابق که صرف امکان وقوع جنایت را موجب تحقق جنایت

۱. "درخواست تجدیدنظر (فرجام‌خواهی) وکیل محکوم‌علیه آقای م.الف. نسبت به دادنامه شماره ۱۱۶ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۸ صادره از شعبه شانزدهم دادگاه کیفری استان ... در خصوص محکومیت نامبرده به قصاص نفس به لحاظ ارتکاب قتل عمدی مرحوم ع.ش. به علت مغایرت حکم صادره با موازین شرعی و مقررات قانونی موجه می‌باشد. زیرا حسب محتویات پرونده و مفاد دادنامه صادره تجدیدنظرخواسته هرچند متهم به وسیله اسلحه گرم به سوی منزل مسکونی مقتول و پسرعموی وی تیراندازی کرده و در اثر اصابت یکی از گلوله‌های شلیک شده به مرحوم ع.ش.، مجنی‌علیه به قتل رسیده است و لکن نظر به این که متهم قصد قتل مرحوم را نداشته و اختلاف و درگیری وی با پسرعموی مقتول به نام ح.ش. بر سر اسلحه کلت کمری خریداری شده بوده و تیراندازی توسط متهم نیز بدون هدف‌گیری به سوی مقتول و به قصد ترساندن آقای ح.ش. پسرعموی مقتول به طرف دیوار و درب حیاط منزل مسکونی آنان صورت گرفته است که چنین عملی نوعاً کشنده محسوب نمی‌شود نتیجتاً بزه انتسابی به متهم مشمول مقررات بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی حاکم بر موضوع (مورد استناد دادگاه) نبوده و از مصادیق قتل عمد نمی‌باشد. بلکه عمل ارتكابی متهم مشمول مقررات بند ب ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی بوده و از مصادیق قتل شبه عمد محسوب می‌شود. بند پ ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی جدید نیز مؤید آن می‌باشد." حکم شعبه پانزدهم دیوان عالی کشور، مورخ ۱۳۹۳/۱/۳۱.

عمدی دانسته است، در رأی حاضر، امکان تحقق جنایت، موجب تحقق جنایات عمدی نشده است.

۲. نقد نظریه اول (سوءنیت احتمالی)

سوءنیت احتمالی حالتی است که مرتکب یک رفتار، بدون پذیرش نتیجه مجرمانه و با پیش‌بینی بالای تحقق آن، موجب تحقق نتیجه می‌گردد (باهری، ۱۳۸۱: ۲۲۰).

مانند راننده‌ای که با علم به نقص ترمز و با سرعت زیاد در سراسیمگی جاده حرکت کرده و سبب واژگونی خودرو و قتل و جرح سرنشینان آن می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۳۵۱). از این مقدمه به خوبی پیداست که اطلاق نیت مجرمانه بر مورد اخیر مسامحه‌ای در گفتار است. زیرا در جایی که نه خواست و نه علم مرتکب به نتیجه مجرمانه تعلق نگیرد، وضعیت ذهنی متهم را باید در حوزه‌ای جدای از نیت مجرمانه جستجو نمود. در حقیقت آنچه سوءنیت احتمالی نامیده می‌شود، نه سوءنیت و بلکه نوعی خطای جزایی شدید است که البته بدلیل احتمال بالای خطر و چشم پوشی مرتکب از آن، گاه سزاوار سرزنشی بیش از جرایم خطایی می‌گردد (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۶۹). بر این مبناء، حقوق دانان کیفری سوءنیت احتمالی را وضعیت ذهنی بین عمد و خطای ساده دانسته‌اند (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۶۲؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۶۴؛ پاد، ۱۳۸۵: ۱۰۸). زیرا به دلیل پیش‌بینی بالای تحقق جرم و عدم توجه مرتکب به آن، از خطای ساده قوی‌تر و به دلیل عدم جزمیت مرتکب در تحقق نتیجه، از نیت مجرمانه ضعیف‌تر است (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۷۰-۶۹).

با وجود این و علی‌رغم اینکه در حقوق کیفری ایران، مقرر شده عامی در مورد حکم سوءنیت احتمالی به چشم نمی‌خورد و لذا باید آن را ذیل بحث خطای جزایی مورد بررسی قرار داد، قوانین کیفری پراکنده‌ای وجود دارند که قانونگذار، حکم این نوع از عنصر روانی را که می‌توان آن را تقصیر یا خطای جزایی شدید نامید، از جرایم خطایی جدا کرده و به جرایم عمدی ملحق نموده است. یکی از این موارد، جرم موضوع ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ است. مطابق ماده مزبور:

هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که منتهی به موت مجنی‌علیه گردد بدون این که مرتکب قصد کشتن را داشته باشد به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد مشروط بر این که آلتی که استعمال شده است آلت قتاله نباشد و اگر آلت قتاله باشد مرتکب در حکم قاتل عمدی است.

بدیهی است که تحقق قتل عمدی منوط به احراز قصد کشتن توسط مرتکب است و بدون تحقق قصد مزبور نمی‌توان قتل واقع شده را عمدی دانست. زیرا نیت مجرمانه مرتکب به نتیجه جرم قتل تعلق نگرفته و لذا اصل تطابق عنصر مادی و عنصر روانی محقق نشده است. با وجود این، قانونگذار سابق در قسمت آخر ماده ۱۷۱ فوق‌الذکر، مجازات قتل عمدی را بر مرتکبی بار نموده



است که هر چند از آلت قتاله استفاده می کند، اما به صراحت ماده مزبور، قصد کشتن ندارد. حقوقدانان کیفری قبل از انقلاب، حکم ماده ۱۷۱ را مبتنی بر نوعی سوءنیت احتمالی می دانستند (پاد، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

به عبارت دیگر، جرم مزبور جرمی غیر عمدی بود که قانون گذار آن را بر مبنای بی احتیاطی شدید متهم در استفاده از آلت قتاله، در حکم عمدی قرار داده بود. حکم ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی شبیه موضع حقوق انگلستان در بحث قتل عمدی است که مطابق آن، علاوه بر قتل عمدی بر مبنای قصد کشتن قربانی، تحقق قتل با قصد ایراد صدمه شدید بدنی نیز قتل عمدی را محقق می سازد (Ashworth, 2006: 256 ; Herring, 2012, 113). البته برخلاف قسمت آخر ماده ۱۷۱ مزبور که به صراحت، قتل واقع شده را در حکم عمدی می دانست، در حقوق انگلستان قتل مزبور عمدی دانسته می شود. با این حال نمی توان تردید نمود که قتل مزبور در حقوق انگلیس نیز ماهیتاً عمدی نبوده و در حکم عمد است. زیرا حکم قانون ماهیت مسأله را دگرگون نمی سازد و تنها می تواند حکم آن را تغییر دهد.

همین حکم در قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن مصوب ۱۳۲۰ به چشم می خورد. قانون گذار در قانون مزبور نیز پس از آنکه تخریب تأسیسات مربوط به راه آهن یا رفتار موجب خروج راه آهن از ریل و تصادم و مانند آن را جرم و مستوجب مجازات حبس شناخته است، در صورت منجر شدن رفتارهای مزبور به کشته شدن فرد یا افرادی، مجازات مرتکب را اعدام دانسته است.^۱ به عبارت دیگر، قانون گذار بدون آنکه عمد مرتکب را نیازمند احراز بداند، بر مبنای نظریه سوءنیت احتمالی و بدلیل بی احتیاطی شدید مرتکب، مجازات او را اعدام قرار داده است (پاد، ۱۳۸۵: ۱۱۹).^۲ در هر حال صرف نظر از موارد مزبور و موارد نادر دیگری که به صورت استثنایی و خلاف قاعده در قوانین کیفری ایران یافت می شوند،^۳ قانون گذار ایرانی بین خطای ساده و شدید تفاوتی نمی گذارد و

۱. ماده ۱ قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن: هر کس خاکریز - خاکبر - پل - تونل - دیوار - سد - ابنیه - بالاستراورس - ریل - پیچ و مهره ریل - اتصالی ریل - علائم خطر - تیرهای تلفن و تلگراف و سیم های آن و وسائل نقلیه راه آهن را خراب کند و به طور کلی عملی نماید که موجب خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگری شود به حبس با اعمال شاقه از پنج تا ۱۵ سال محکوم می شود و اگر در نتیجه حادثه یک یا چند نفر کشته شود مرتکب محکوم به اعدام خواهد شد....

۲. البته بحث از نسخ یا عدم نسخ اعدام مذکور در ماده ۱ قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن، مجالی جدا می طلبد.

۳. برای دیدن برخی دیگر از مصادیق قانونی سوءنیت احتمالی که قانون گذار حکم سوءنیت احتمالی را مساوی با عمد دانسته است، ر.ک. مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، ج دوم، پدیده جنایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، صص ۲۴۳.

لذا سوءنیت احتمالی یا همان خطای جزایی شدید، ذیل جرائم غیرعمدی قرار می‌گیرد (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۸۶؛ محسنی، ۱۳۸۲: ۲۴۴-۲۴۳).

زیرا عنصر روانی مرتکب در این جرایم، تمامی اجزاء عنصر مادی را پوشش نمی‌دهد و لذا مطابق اصل تطابق عنصر مادی و روانی نمی‌توان آن را عمدی دانست. همین وضعیت در حقوق فرانسه مشاهده می‌گردد و دکتترین و رویه قضایی آن کشور جز در موارد استثنایی و با تصریح قانونگذار، سوءنیت احتمالی را مترادف با تقصیر ساده و موجب تحقق جرایم غیرعمدی می‌دانند (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۶۳-۳۶۲).

باتوجه به مطالب بیان شده، به نظر نگارنده، حکم مقرر در تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی ارتباطی به سوءنیت احتمالی ندارد. زیرا قانونگذار در تبصره مزبور از عبارت، آگاه و متوجه باشد، استفاده کرده و زمانی که مرتکب، از وقوع جنایت آگاه باشد، وضعیت ذهنی وی از حوزه سوءنیت احتمالی که مبتنی بر احتمال و امکان است، خارج خواهد بود. ممکن است در دفاع از مبنای سوءنیت احتمالی برای تبصره ماده ۲۹۲ به واژه نوعاً در تبصره اشاره گردد.^۱ این استدلال نیز صحیح نیست. زیرا همانطور که خواهیم دید، زمانی که سوءنیت بر مبنای علم تشکیل گردد، مراد قانونگذار از علم و آگاهی، علمی است که به جریان عادی امور تعلق می‌گیرد و هیچ‌گاه به معنای یقین و آگاهی قطعی نیست. بنابراین، به شرحی که خواهیم دید، علم به تحقق نوعی نتیجه، همان سوءنیت غیرمستقیم است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۳. نقد نظریه دوم (سوءنیت غیرمستقیم)

برای بررسی حکم تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی بر اساس نظریه سوءنیت غیرمستقیم لازم است که ابتدا مفهوم سوءنیت غیرمستقیم مورد بررسی قرار گیرد و سپس به تطبیق حکم تبصره مزبور با این مفهوم پرداخته شود.

۳.۱. مفهوم سوءنیت غیرمستقیم

در حقوق کیفری، علم به عنوان یکی از اجزاء تشکیل دهنده عنصر روانی، می‌تواند دو نقش مجزا در این عنصر بازی کند که یکی از آنها شکلی و دیگری ماهوی است. مراد از نقش شکلی علم در عنصر روانی جرم آن است که علم در مقام اثبات قصد به کار رود. بدین معنا که در حالتی که عنصر روانی جرائم عمدی با قصد (به معنای خواستن) محقق می‌گردد، علم راهی برای احراز و اثبات این امر

۱. در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

است که مرتکب، نتیجه مجرمانه را خواستار شده است. برای مثال اگر فردی به موضع حساسی از بدن قربانی شلیک کرده و او را بکشد، چنین استدلال شود که چون مرتکب همانند دیگر افراد جامعه از کشنده بودن شلیک به موضع حساس بدن آگاه است، ثابت می‌گردد که قصد او از ارتکاب رفتار مزبور، کشتن قربانی بوده است.

همانطور که مشخص است علم در این حالت موضوعیت ندارد و نفس وجود آن فاقد ارزش است و بلکه تنها راهی است که به مدد آن می‌توان به قصد رسید.

با استفاده از همین مطلب، حقوق دانان انگلیسی بیان کرده‌اند که اگر مرتکب قربانی را از فراز یک تخته سنگ ۵۰ متری به پایین پرتاب نماید و سپس مدعی شود که قصد کشتن یا ایراد صدمه شدید به قربانی را نداشته و تنها قصد ترساندن او را داشته است، می‌توان گفت که نتیجه اجتناب-ناپذیر چنین رفتاری، حداقل صدمه شدید است و هیات منصفه حق دارد استنباط نماید که مرتکب که یک فرد با عقل و خرد معمولی است، در فقدان هر دلیل قابل قبول، چنین امری را پیش‌بینی کرده است و لذا هدف او از هل دادن قربانی، باید قصد کشتن یا تحمیل صدمه شدید بدنی باشد (Allen, 1997: 49-50&53).

همین موضع در پرونده ندریک^۱ نیز پذیرفته شد. در این پرونده متهم مقداری پارافین داخل جعبه پستی یک خانه ریخته و بدون هشدار دادن، آن را آتش زد و در نتیجه آن یک بچه ۱۲ ساله فوت نمود. متهم ادعا می‌کرد که نمی‌خواست است کسی کشته شود؛ بلکه تنها قصد ترساندن داشته است (Dine et al, 2010: 130). هر چند در نهایت متهم به ارتکاب قتل غیر عمدی محکوم شد، اما دادگاه حکم داد، زمانی که فردی تشخیص دهد که وقوع نتیجه بر رفتار او عملاً اجتناب‌ناپذیر است، این استنباط می‌تواند غیرقابل اجتناب باشد که او آن نتیجه را قصد کرده است (Fionda & Bryant, 2000: 5). در دعوی وولین^۲ نیز دادگاه هیات منصفه را بر همین اساس راهنمایی نمود. در این پرونده، متهم کنترل خود را از دست داده و بچه نوزاد خود را در طول اتاق پرتاب نمود که موجب صدمه به سر و در نهایت مرگ وی گردید (Wilson, 1999: 448). هیات منصفه بدین صورت راهنمایی شد که آنها می‌توانند قصد مرتکب را استنباط کنند، در صورتی که متهم نتیجه را به عنوان یک قطعیت عملی پیش‌بینی کرده باشد (Ibid).

اما در نقش ماهوی علم، نفس وجود علم و آگاهی، موضوعیت دارد و وجود آن به معنای تحقق سوءنیت جزایی است. علم در این حالت مجرای برای اثبات و احراز قصد نیست و بلکه خود، نهادی است که هم‌ارز با قصد می‌تواند نیت مجرمانه را تشکیل دهد. در این فرض، آنچه سوءنیت را شکل

1. Nedrick[1986] CA.

2. Woollin [1998] 4 All ER 103.

می‌دهد، قصد یا علم است و هر یک از آنها به صورت جایگزین یکدیگر می‌توانند نیت مجرمانه را محقق سازند. مانند آنکه فردی بدون آنکه خواستار کشتن مجنی‌علیه باشد، ضربه‌ای سنگین بر سر او وارد کرده و او را بکشد که هرچند وجود قصد در این حالت منتفی است، اما در صورتی که مرتکب بداند که نتیجه رفتار مزبور در روند عادی امور منجر به مرگ می‌شود، به دلیل آگاهی مزبور، واجد سوءنیت خواهد بود.

مثال سنتی حقوق‌دانان انگلیسی برای این امر، شخصی است که به قصد گرفتن خسارت از شرکت بیمه، بمبی را در هواپیما تعبیه می‌کند تا در حین پرواز منفجر شود؛ هرچند او می‌داند که عملاً تردیدی در کشته‌شدن مسافری وجود ندارد (کلارکسون، ۱۳۹۰: ۸۶).

باید توجه داشت که علم در این مفهوم، نه در معنای یقین فلسفی و بلکه مفهومی عرفی و برگرفته از تجارب عملی و زندگی عادی و معمولی انسانهاست که احتمال مخالف آن نیز منتفی نیست. با این وصف، عرف جامعه این نوع از آگاهی را با امکان و احتمال برابر ندانسته و بلکه عبارت علم و آگاهی را بر آن زینده‌تر می‌داند. بنابراین، آنچه در تحقق نیت مجرمانه بر اساس علم و آگاهی مورد نیاز است، علم به تحقق نتیجه در روند عادی امور است و نه علم به تحقق قطعی و ضروری نتیجه در معنای فلسفی آن (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۴۸-۲۴۵).

حقوق‌دانان انگلیسی نیز با پذیرش علم به عنوان سوءنیت، آن را سوءنیت غیرمستقیم^۱ نامیده‌اند؛ در مقابل سوءنیت مستقیم^۲ که مرتکب خواهان تحقق نتیجه مجرمانه است (Wilson, 1998: 124-125; Simister & Sullivan, 2010: 132-133).

برخی از حقوق‌دانان عرب نیز تشکیل سوءنیت با قصد را قصد مستقیم درجه اول^۳ و تحقق آن با علم را قصد مستقیم درجه دوم^۴ نامیده‌اند (عوض محمد، ۱۹۸۰: ۲۵۱). برای مثال اگر فردی قصد غرق کردن یک کشتی به دلیلی مانند گرفتن پول از شرکت بیمه را داشته باشد، اما بداند که با غرق شدن آن کشتی، مسافری آن نیز غرق خواهند شد، سوءنیت مرتکب نسبت به غرق خدمه و مسافران کشتی، قصد درجه دوم او محسوب می‌گردد (همان: ۲۵۲-۲۵۱). این همه نشان می‌دهد که صرف‌نظر از عبارات مختلفی که توسط فقها و حقوق‌دانان به کار رفته است، علم می‌تواند به صورت جایگزینی برای قصد، سوءنیت جزایی را تشکیل دهد و تحقق عنصر روانی جرائم عمدی منحصر در قصد در معنای خواستن نیست.

در مقررات کیفری ایران نیز تحقق سوءنیت جزایی با علم در مواد متعددی از قانون مجازات

1. indirect / oblique intention

2. direct intention

۳. قصد المباشر من الدرجة الاولى

۴. قصد المباشر من الدرجة الثانية



اسلامی و قوانین دیگر مورد پذیرش قرار گرفته است. برای نمونه مطابق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی:

در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

همانطور که مشخص است، قسمت آخر ماده ۱۴۴ که تنها ماده عام مربوط به عنصر روانی جرائم عمدی است، تحقق سوءنیت را منوط به وجود قصد یا علم به صورت جایگزین یکدیگر دانسته است. به این معنا که چه مرتکب نتیجه را بخواهد و چه آن را نخواهد؛ ولی بدانند رفتار او منجر به تحقق نتیجه می‌شود، سوءنیت وی تشکیل شده است؛ امری که به معنای پذیرش و تساوی سوءنیت مستقیم و غیرمستقیم در حقوق ایران است. بر همین مبنا، خواه فردی با پرتاب اموال دیگری در پی تخریب آنها باشد و خواه در وسط دعوا مال دیگری را پرتاب کند؛ با آگاهی از اینکه مال مزبور صدمه خواهد دید، دارای عنصر روانی خواهد بود؛ هرچند در حالت اخیر خواهان تخریب مال دیگری نباشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۱۹۳). همچنین، امینی که مال امانی را به دلیل نیاز مالی می‌فروشد؛ بدون آنکه در پی ضرر صاحب مال باشد، با توجه به آگاهی او از ضرر مالباخته در نتیجه فروش، واجد سوءنیت خاص خیانت در امانت خواهد بود. همچنین است، فردی که جهت بالابردن تیراژ روزنامه خود، عمداً یکی از مسئولان عالی‌رتبه را دارای دو همسر معرفی می‌کند؛ درحالی‌که می‌داند، دروغ مزبور منجر به ضرر بزه‌دیده خواهد شد که در این حالت نیز سوءنیت خاص نشر اکاذیب محقق خواهد شد.

علاوه بر ماده ۱۴۴، قانونگذار در موارد متعدد دیگری از قانون مجازات اسلامی جایگزینی علم و قصد به جای یکدیگر را مورد پذیرش قرار داده است. ماده ۲۹۰ آن قانون از این جمله است. قانونگذار در بندهای ب و پ ماده مزبور در صورتی که مرتکب، قصد نتیجه واقع شده را نداشته باشد، اما بداند که رفتار او منجر به نتیجه می‌شود، جنایت وی را عمدی دانسته است که مفاد آن چیزی غیر از قسمت آخر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی نیست. مطابق بندهای ب و پ مزبور:

ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی **آگاه و متوجه** بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ- هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت

دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

همین امر در ماده ۱۵۳ در مورد جنایت در حال خواب یا بیهوشی، ماده ۱۵۴ در مورد جنایت در حال مستی^۱ و ماده ۳۷۹ در خصوص جنایت ناشی از اکراه،^۲ در قانون مجازات اسلامی و در برخی قوانین کیفری دیگر^۳ پذیرفته شده است.

۲.۳. سوءنیت غیرمستقیم در فقه

پذیرش نقش در تشکیل سوءنیت، در منابع فقهی نیز قابل مشاهده است؛ به این صورت که فقها، تحقق جنایت عمدی را منوط به قصد ارتکاب جنایت ندانسته و علم به وقوع جنایت را نیز موجبی جدا در تشکیل سوءنیت دانسته اند؛ هر چند مرتکب، خواهان ایجاد جنایت نباشد. مطابق این نظر، کشتن قربانی با ارتکاب یک رفتار نوعاً کشنده، در صورت علم به کشنده بودن نوعی آن، موجب تحقق قتل عمدی است؛ هر چند مرتکب خواهان مرگ قربانی نبوده باشد (حلبی، ۱۴۰۳: ۳۸۲؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۲؛ منتظری، ۱۴۱۳: ۵۶۳). در علت این حکم چنین آمده است که علم به تحقق مرگ در این فرض، جدای از قصد قتل به صورت تبعی نیست (خویی، ۱۳۹۶: ۴) و یا قصد سبب با علم به تحقق رابطه سببیت، در حقیقت قصد ایجاد مسبب است (حسینی عاملی، بی تا: ۱۲۷). برای بیان اشاره به این امر هر چند در آثار برخی از محققین حقوق اسلامی به سوءنیت غیرمستقیم اشاره شده

۱. ماده ۱۵۴: مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روانگردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم بهطور کلی مسلوب اختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می شود.

۲. ماده ۳۷۹: هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت براه اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به این که این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می شود. همچنین برای دیگر موارد دیگری از این دست در قانون مجازات اسلامی، ر.ک. به ماده ۳۰۷ و تبصره ماده ۲۸۶ آن قانون.

۳. برای نمونه ر.ک. ماده ۲ قانون اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹: هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود.

۴. لان قصد الفعل مع الالتفات الی ترتب القتل علیه عادة لاینفک عن قصد القتل تبعاً.

است (گرجی، ۱۳۷۸: ۳۱۳)، اما در غالب کتب فقهی، قصد تبعی را جهت اشاره به این امر به کار برده‌اند. از این منظر، قصد، زمانی ابتدایی است که قاتل، خواهان کشتن قربانی باشد؛ اما در صورتی که مرتکب بدون داشتن قصد قتل و با علم به تحقق آن، مرتکب رفتار گردد، قصد وی به صورت تبعی محقق شده است (خویی، ۱۳۹۶: ۳-۴). بنابراین، در قصد تبعی، آنچه بالاصاله مورد قصد مرتکب قرار می‌گیرد، نه نتیجه واقع شده و بلکه خود رفتار است و لذا مرگ را تنها می‌توان به صورت تبعی، و نه اصلی، مورد قصد مرتکب دانست (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷: ۱۸).

بر همین اساس، مشهور فقیهان امامیه، علاوه بر تحقق قتل عمدی با قصد قتل، انجام عمل نوعاً کشته، بدون قصد قتل را نیز موجب تحقق قتل عمدی دانسته‌اند (محقق، ۱۴۰۹: ۹۷۱؛ هندی، ۱۴۰۵: ۴۳۹؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۱۷؛ اردبیلی، بی تا: ۳۷۲).^۱ زیرا زمانی که یک رفتار غالباً و بر مبنای عادت کشته باشد، در حقیقت نسبت به نوع مردم در غالب موارد کشته است.

زیرا کشته بودن نسبت به نوع مردم، مستلزم حدوث مرگ در غالب موارد است؛ بطوری که بتوان آن را به عنوان عادت معهود نگریست. البته نمی‌توان انکار نمود که بین کلمات نوعاً، عادتاً و غالباً که در ادبیات فقهی برای این امر بیان می‌گردد، از نظر لغوی ترادف کامل وجود ندارد، اما با توجه به سابقه و دلیل جعل حکم در منابع فقهی، معنای دقیق لغوی و تفسیر ادبی صرف، فاقد وجهت بوده و لازم است که معنای نوعاً کشته را بر معنای عادتاً و غالباً تحویل نموده و تفسیر نمود. به هر حال، برای تحقق فعل نوعاً کشته، فعل باید از جمله افعالی باشد که عادتاً منجر به مرگ شود. دقت در کلمات "عادتاً" و "غالباً"، در کلام فقها نشان می‌دهد که حصول مرگ بر فعل مرتکب، باید به صورت شایع و کاملاً معمولی و قابل انتظار صورت گیرد و به عبارت دیگر عمل مرتکب به صورتی باشد که حصول مرگ بر آن شایع و معمول و عدم حصول مرگ بر آن، غیر معمول باشد (حلی، ۱۴۰۳: ۳۸۲) و تنها در صورتی که مرتکب با علم چنین رفتاری را محقق سازد، می‌توان از تحقق قتل عمدی سخن راند و به همین جهت فقها در برابر عبارات "عادتاً" و "غالباً" کشته، از عبارت "نادراً کشته" استفاده کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۸۲؛ خمینی، بی تا: ۵۶۹)؛ امری که نشان می‌دهد، فقها تنها در صورتی که در غالب موارد، فعل مرتکب منجر به سلب حیات گردد و این امر به صورت یک عادت و یک امر عادی و معمولی درآمده باشد، رفتار نوعاً کشته را محقق می‌دانند. در نتیجه، تمرکز اصلی فقها در بیان حکم رفتار نوعاً کشته، نه بر اساس عنصر مادی و بلکه بر اساس عنصر روانی است. بسیاری از فقهایی که این معیار را بیان داشته‌اند، صرف ارتکاب رفتار نوعاً کشته را برای تحقق قتل عمدی کافی ندانسته و بلکه تصریح کرده‌اند که علاوه بر ارتکاب رفتاری که عادتاً یا غالباً منجر به

۱. برای دیدن روایاتی که مورد استناد مشهور فقها در این حکم قرار گرفته است، ر.ک. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۹، بیروت، موسسه آل البیت (ع) لالحياء التراث، چ دوم، ۱۴۱۴، صص ۴۰-۳۵.

مرگ می‌گردد، لازم است که مرتکب نیز به این امر آگاه باشد (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۲؛ خویی، ۱۳۹۶: ۴؛ حسینی عاملی، بی‌تا: ۱۲۷).

پذیرش علم به عنوان جایگزینی برای قصد، منحصر در بحث قتل نبوده و فقها در موارد دیگری نیز این امر مورد پذیرش قرار داده‌اند. بنابر برخی از این دیدگاه‌ها:

اگر فردی بداند که با رفتن به مجلس فلان فرد، رفتن وی موجب تحقق گناه و ارتکاب عمل حرام به صورت اضطراری و یا اکراهی می‌شود، با وجود عمد در رفتن و ورود اختیاری به مجلس و علم او به این مطلب، وی مضطر در معصیت یا اکراه شده به آن محسوب نمی‌شود؛ بلکه مرتکب گناه عمدی مستوجب مجازات و مواخذه شده است. آری در صورت عدم آگاهی او به این امر یا عدم توجه به آن، به علت عدم تحقق گناه عمدی تردیدی در عدم استحقاق وی به عقوبت وجود ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷: ۱۷۷).

در تحقق محاربه نیز برخی از فقهای معاصر، انحصار تحقق محاربه به قصد را فاقد دلیل دانسته و انجام رفتار منجر به سلب امنیت و ناامنی عمومی را با علم به این امر، محاربه دانسته‌اند (شاهرودی، ۱۳۷۸: ۳۰۹ - ۳۰۸).

۳.۳. تطبیق تبصره ماده ۲۹۲ با سوءنیت غیرمستقیم

با توجه به آنچه بیان گردید، حکم مقرر در تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، مبتنی بر سوءنیت غیرمستقیم است و نمی‌توان مبنای آن را اموری همانند تقصیر جزایی شدید و یا سوءنیت احتمالی دانست. به این معنا که علاوه بر قصد به معنای خواستن، علم و آگاهی نیز موجبی جدا برای تحقق سوءنیت است و نیت مجرمانه مرتکب حتی در حالتی که وی خواهان تحقق نتیجه نباشد، اما به تحقق آن آگاه باشد، محقق خواهد شد؛ بدون آنکه صرف احتمال، امکان و یا تقصیر بتواند موجب تحقق جنایات عمدی گردد. به بیان دیگر، مفاد تبصره مزبور واجد حکم جدیدی نیست و تأکید مجدد بر قسمت آخر ماده ۱۴۴ و بندهای ب و پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است که مطابق آن، آگاهی از تحقق نتیجه، مجرای جدا در تحقق سوءنیت جزایی است. بنابراین، اگر فردی که می‌خواهد یا خود را بیهوش کرده و یا به سمت یک حیوان شلیک می‌کند، بداند که رفتار او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌شود، واجد سوءنیت بوده و جنایت او عمدی خواهد بود. مانند آنکه فردی با بمب‌گذاری، قصد کشتن فرد خاصی را داشته باشد، اما بداند که با انفجار بمب، علاوه بر فرد مورد نظر، همکاران وی نیز کشته خواهند شد که در این حالت، نمی‌توان جنایت ارتكابی وی نسبت به همکاران را خطای محض دانست. زیرا با توجه به آگاهی مرتکب از تحقق نتیجه در روند عادی و نوعی امور، جنایت اخیر نیز به صورت عمدی محقق خواهد شد. این تفسیر از ماده ۲۹۲ منطبق بر نظر فقیهان شیعه به



عنوان منبع اصلی قانونگذار در تقنین مبحث قتل عمدی و قصاص است. زیرا همانطور که بیان گردید، از نظر فقها نیز علم به تحقق نوعی نتیجه، موجبی جدا در تحقق جنایت عمدی است؛ هر چند مرتکب، خواهان تحقق نتیجه نباشد (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۲؛ خوبی، ۱۳۹۶: ۴)؛ خصوصاً آنکه، تردیدی نیست که قصاص به عنوان یک مجازات شرعی نمی تواند برای امور نظیر جنایات ناشی از تقصیر یا بی احتیاطی اعمال گردد.

بنابراین حکم قانون گذار در تبصره ماده ۲۹۲ مبنی بر اینکه: در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می گردد، جنایت عمدی محسوب می شود، در راستای تحقق جنایت عمدی بر اساس بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است که به موجب آن: هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود.

مقایسه عبارات قانونی فوق مؤید همین امر است که جز تفاوت در ترتیب کلمات در دو مقررۀ مزبور، تفاوتی از نظر ماهیتی بین آنها وجود ندارد و نمی توان مبنا و ماهیت آن دو را که از امری واحد ناشی می شود، از یکدیگر تفکیک کرده و دامنه تحقق جنایات عمدی را گسترش داد. همین امر را می توان در مقایسه بین تبصره ماده ۲۹۲ با موارد دیگری که قانونگذار، سوءنیت غیرمستقیم را پذیرفته است، به راحتی مشاهده نمود.^۱ به بیان دیگر، تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، همگام با بندهای ب و پ ماده ۲۹۰ همان قانون، به معنای تحقق عمد مجرمانه با علم و آگاهی است و شامل سوءنیت احتمالی و تقصیر جدایی شدید که عنصر روانی جرایم غیرعمدی را تشکیل می دهند، نخواهد شد.

بدیهی است که در صورت بروز شک نیز دادرس موظف است تفسیری را برگزیند که با اصول حقوق کیفری هماهنگ و با دیگر مواد قانون مجازات اسلامی، همسو باشد؛ علاوه بر اینکه تفسیر مورد قبول در این حالت، تفسیری است که به نفع متهم باشد؛ آنهم در جرمی سنگین همچون جنایات عمدی که دارای مجازاتی شدید و گاه بدون بازگشت است.

۱. برای نمونه به ماده ۳۷۹ قانون مجازات اسلامی توجه فرمایید: هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به این که این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می شود نیز نداشته باشد ...



نتیجه‌گیری

مطابق تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، در صورت علم مرتکب به تحقق نوعی قتل، عنوان قتل از خطای محض به عمدی تغییر می‌یابد. در توجیه این حکم، برخی از حقوق‌دانان تحقق بی-تفاوتی فاحش و یا خطای جزایی شدید را مشمول ماده دانسته و به نوعی، سوءنیت احتمالی را مبنای پذیرش تبصره قرار داده و در مقابل، برخی دیگر این امر را جلوه‌ای از تحقق نیت مجرمانه با علم دانسته و آن را زیر مجموعه تحقق جنایت عمدی با علم به نوعاً کشنده بودن رفتار دانسته‌اند. چنین امری، پذیرش سوءنیت غیرمستقیم به عنوان یکی از انواع عنصر روانی جرایم غیرعمدی بوده و به این معناست که اگر مرتکب یک رفتار، خواهان تحقق نتیجه از رفتار خود نباشد، اما آگاه باشد که رفتار وی منجر به تحقق نتیجه مزبور خواهد شد، واجد سوءنیت شناخته خواهد شد. از میان دو نظر بیان شده، نظر اخیر منطبق بر موازین حقوق کیفری است. زیرا اولاً حکم سوءنیت احتمالی در حقوق ایران، مترادف با خطای جزایی است و در صورت بروز شک نیز با رجوع به اصل، نمی‌توان حکم تبصره را با سوءنیت احتمالی توجیه نمود؛ خصوصاً آنکه چنین تفسیری که موسع و به ضرر متهم است، در حقوق کیفری غیرقابل پذیرش است. از طرف دیگر، تردیدی نیست که منبع اصلی قانونگذار در تقنین بحث قتل در قانون مجازات اسلامی، کتاب فقیهان شیعه است و بحث انواع قتل و معیار تفکیک آنها از هم را به صورت کامل از منابع فقهی گرفته است. نتیجه آنکه اصول تفسیر قوانین کیفری مستلزم آن است که تبصره ماده ۲۹۲ را با توجه به منابع فقهی بررسی نماییم. در فقه امامیه ارتکاب قتل با تقصیر شدید هیچ‌گاه عمدی و مستوجب قصاص نیست. خصوصاً آنکه قانونگذار در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، قتل عمدی را منحصر در ۴ بند دانسته و تعبیر تبصره به حالتی جدای از ماده ۲۹۰، مخالف منابع فقهی خواهد بود. بنابراین، حکم تبصره ناظر به مواردی است که هرچند مرتکب، خواهان ارتکاب رفتار بر قربانی نیست، اما می‌داند که رفتار او در روند عادی امور موجب ایراد جنایت بر قربانی می‌گردد و بر این اساس، جنایت ارتكابی او خطا نخواهد بود. مانند فردی که جهت کشتن یک مقام سیاسی، دفتر کار او را بمب‌گذاری می‌کند، اما می‌داند که در ساعت انفجار، همکاران وی نیز کشته خواهند شد که در این حالت، جنایت ارتكابی وی نسبت به افراد اخیر، خطای محض نخواهد بود. این امر منحصر در جنایات نبوده و در مورد جرایم دیگر نیز قابل پذیرش است. بنابراین، فردی که خواهان تخریب مال دیگری نیست؛ اما می‌داند که رفتار او منجر به تخریب مال غیر خواهد شد؛ امینی که خواهان ضرر به مال دیگری نیست، ولی می‌داند که فروش مال امانی منجر به ضرر مالک خواهد شد و نیز روزنامه‌نگاری که جهت بالابردن تیراژ روزنامه خود، دروغی را با علم به ضرر رساندن به دیگری در آن منتشر می‌کند که در این مورد نیز عنصر روانی نشر اکاذیب محقق خواهد شد.

منابع

- آقای نیما، حسین (۱۳۹۴)، **جرایم علیه اشخاص**، جنایات، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **حقوق جزای عمومی**، ج ۱، چ سی و یکم، تهران: انتشارات میزان.
- استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بولک (۱۳۷۷)، **حقوق جزای عمومی**، ج ۱، جرم و مجرم، ترجمه حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- باهری، محمد (۱۳۸۱)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات رهام.
- پاد، ابراهیم (۱۳۸۵)، **حقوق کیفری اختصاصی**، جرائم نسبت به اشخاص، تهران: انتشارات دانشور.
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۶)، **جرایم علیه اشخاص**، تهران: انتشارات میزان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ هـ.ق)، **وسائل الشیعه**، ج ۲۹، چاپ دوم، قم: موسسه آل البیت (ع) لالیاء التراث.
- حسینی عاملی، محمدجواد (بی تا)، **تعلیقات علی باب القصاص کشف اللثام**، بی نا، بی جا.
- حلبی (۱۴۰۳)، ابوالصلاح، **الکافی فی الفقه**، تحقیق از رضا استادی، اصفهان: مکتبه امیرالمومنین (ع).
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶)، **مبانی تکمله المنهاج**، ج ۲، قم: انتشارات لطفی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ هـ.ق)، **روضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه**، ج ۱۰، قم: انتشارات داوری.
- صادقی، محمد هادی (۱۳۹۳)، **جرایم علیه اشخاص**، چ بیستم، تهران: انتشارات میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات طرح نو.
- علامه حلی، جمال الدین حسن بن یوسف (۱۴۱۳ هـ.ق)، **قواعد الاحکام**، ج ۳، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، **حقوق جنایی**، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.
- عوض محمد عوض (۱۹۸۰)، **قانون العقوبات**، قسم العام، اسکندریه: دارالمطبوعات الجامعیه.
- فاضل اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۰۵ هـ.ق)، **کشف اللثام**، ج ۲، قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۷ هـ.ق)، **تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله**، القصاص، الطبعه الثالثه، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار (ع).
- قیاسی، جلال الدین و محمد داوری (۱۳۹۵)، «بررسی رکن روانی قتل عمدی ناشی از بی پروایی آگاهانه در قانون مجازات اسلامی»، **حقوق جزا و سیاست جنایی**، دوره ۱، شماره ۲، ص ۳۱۷-۲۹۹.

- کلارکسون، کریستوفر (۱۳۹۰)، **تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی**، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، تهران: انتشارات جنگل.
- گرچی، ابوالقاسم (۱۳۷۸)، **مقالات حقوقی**، ج ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی، مرتضی (۱۳۸۲)، **دوره حقوق جزای عمومی**، ج ۲، پدیده جنایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- محقق حلی، ابوالقاسم (۱۴۰۹ هـ.ق)، **شرایع الاسلام**، ج ۴، تحقیق از سید صادق شیرازی، چاپ دوم، تهران: انتشارات استقلال.
- محمدخانی، عباس (۱۳۹۵)، **عنصر روانی جرم**، ج ۱، کلیات عنصر روانی - عنصر روانی جرائم عمدی، تهران: انتشارات میزان.
- محمدخانی، عباس (۱۳۹۷)، **عنصر روانی جرم**، ج ۲، جرایم غیرعمدی، تهران: انتشارات میزان.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۳ هـ.ق)، **الاحکام الشرعیه**، قم: نشر تفکر.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۳)، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
- الموسوی الخمینی، روح‌الله، الموسوی الخمینی (بی تا)، **تحریر الوسیله**، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷)، **جواهر الکلام**، ج ۴۲، تحقیق شیخ محمود قوچانی، الطبعة الثالثة، بی جا: المكتبة الاسلامیه.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸)، **بایسته‌های فقه جزا**، تهران: انتشارات میزان.
- Allen, Michael J, (1997), **Textbook on Criminal Law**, Fourth Edition, Blackstone Press Limited.
- Ashworth, Andrew (2006), **Principle Of Criminal Law**, Fifth Edition, Oxford university press.
- Dine, Janet, James Gobert, William Wilson (2010), **Cases & Materials on Criminal Law**, Sixth Edition, London, Oxford University Press.
32. Fionda, Julia and Michael J Bryant (2000), **Briefcase On Criminal Law**, Second Edition, London, Cavendish Publishing Limited.
- Herring, Jonathan (2012), **Criminal Law**, Second Edition, Palgrave Macmillan.
- Simister and Sullivan (2010), **Criminal Law; Theory and Doctrine**, Fourth Edition, Oxford and Portland, Oregon, Hart Publishing.
- Wilson, William (1998), **Criminal Law, Theory and Doctrine**, Second Impression, Longman.
- Wilson, William (1999), **Doctrinal Rationality after Woollin**, The Modern Law Review, Vol. 62, May.